



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۱/۱۶

رفعت حسینی

حمد و منقبتِ دیکتاتوری خون: انقلاب ثور

در دهه شست خ، در زمان دیکتاتوری خون افشانی ننگین حزب خلق، شاعران {بی مقدار} و [بی معرفت] و <کودن >، به گونه بی دیگر حاجی می شدند. خون پاشانی پرچی / خلقی/ و رفقای خاد اگسا کام را وصف می نمودند و نماز مدح خنجر ادا می نمودند.

میر عبدالقادر ابهر چنین قلقله میکند:

زمانه می رود به پیش

و ما به پیش می رویم

به سوی آرمان نیک و بی زوال توده ها

که زیر یوغ درد زای بردگی کشیده اند

چه بی حساب رنج ها

ز جور و کینه سیاه کار ها

به روی کره زمین.

.

و ما روانه ایم

زمانه می رود به پیش

و ما به پیش می رویم

به سوی دشت ها و تپه ها و کوهسار ها

به ماورای ابر ها

و در فضای بی گران آسمان

به جست و جوی اختران

به لابلای زندگی خلق ها

به هر کجا به هر طرف

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

که آفتاب آتشین انقلاب
طلوع می کند
و ما روانه ایم
زمانه می رود به پیش
و ما به پیش می رویم
به سوی شو و شوق ها
به سوی آن سرود ها، ترانه ها، نشاط ها
به سوی عشق های جاودانه می رویم
و عاشقانه می رویم
که تا زسینه های توده های رنجبر
به گوش های هیچ کس
ز هیچ شهر و روستا
فغان و درد و بی عدالتی
دگر طنین نیفکند
که ما به راه خلق ها روانه ایم
زمان زمان ماست
جهان جهان ماست
جهان صلح و زندگی جاودان
از آن ماست
و ما سپاه جاودانه ایم
سپاه صلح این زمانه ایم.

.....

استاذ! و علامه دوران ! قادر ابهر، چنین «چونگ» میزند

.

مابه سوی دشت ها و تپه ها و کوهسار ها
به ماورای ابر ها
و در فضای بی کران آسمان
به جست و جوی اختران

به لابلای زندگی خلق ها
به هر کجا به هر طرف
که آفتاب آتشین انقلاب
طلوع می کند
به سوی عشق های جاودانه می رویم

////

عنایت پژوهان گردان با دهل و سرنی انقلاب چنین اتن ملی می نماید و در راگ بیروی نخره
می کند:

لاله های سرخ سنگر
ز راه لاله های سرخ سنگر بر نخواهم گشت
به جان همرهان راه بی برگشت خواهر جان!
اگر دست پلیدی، خون ((شمله)) ((فاضله))
صد های دیگر ریخت
هزاران قامت مغرور دیگر سر کشید و موج افزون گشت
و تو ای داغ دل انسان
و تو ای همسفر ، خواهر ، برادر!
عزیزانت بیا آور
رفقانت را که ره بردند و راه سرخ بگشودند
کنارت زندگی کردند و جان خویش بسپردند
عزیزانت بیاد آور
براه شوکت جاوید شان مردانه رهسپر
به میدان باش و باور کن
ز راه لاله های سرخ بر نخواهم گشت
خواهر جان!
(کال ۱۸ حوت ۱۳۳۸)